

.... در سلطنت مظفرالدین شاه . هر یک از شاهزادگان را که به یکی از ایالات والی و حاکم می کردند، به شیوه سالارالدوله با جان و مال مردم رفتار می نمودند. سالارالدوله در طی حکومت هایی که در کرمانشاهان ، خمسه ، کردستان، بروجرد و لرستان داشت بر جان و مال و ناموس و حیثیت مردم ابقاء نکرد و هیچ مرجعی که جنایات او و دیگر شاهنشاه زاده ها بازخواست و تعقیب و مجازات نماید نبود. پدر بزرگوارش هم وقتی می شنید، به اصطلاح قدری مثل خاله زنک ها قرق می کرد و بعضی از اوقات هم نفرین می نمود. معلوم است که از چنان پدر بی حال و ضعیف و بد اخلاق و احمق که سعی داشت ظاهرش مطابق شرع باشد، غیر از این توقع نبود.

از جمله اعمال خیر آن پادشاه خرید حج و تشریف به اعتاب مقدسه برای خود و پدر و مادر و نیاکانش بود!! و یکی از بدترین کارهای او این بود که قرآن های قیمتی خزانه سلطنتی را داد و یک جلد آن بجای خود باز نگشت. و همین پادشاه جم جاه انواع فسق و فجور و اعمال ناشایستی که شایسته هیچ مهتر و قاطرچی نبود، مرتکب می شد و در حضور تمام وزرا و اعیان که از تبریز برای دارالخلافه مبارکه و مردم بدبخت آن سوغات آورده بود، همراه با تمام آنهایی که در طهران می توانستند داخل آن حوزه ننگین و شرم آور بشوند، در دربار معدلت مدار دست به انواع مناهی و منکرات می آلود.

این پادشاه و دارو دسته رسوای او در مجالس درباری خود رفتار و حرکات دربار لویی پانزدهم را تکرار می کردند و مرتکب اعمالی می شدند که قلم از یاد آوری و تحریر آن شرم داشته و صفحات کتاب ملوث می گردد.... با این تفاوت که لویی پانزدهم سلسله قاجاریه در خاتمه هریک از آن مجالس شرم آور، قدری گریه و توبه و استغفار می نمود و فرمان احضار سید بحرینی یا آقا سید حسین پسر او را صادر می نمود تا برایش حدیث کسا و دیگر ادعیه و اوراد را بخوانند!!....

.....

برگرفته از «خاطرات احتشام السلطنه»^۱ به کوشش محمد مهدی موسوی، انتشارات زوآر، ۱۳۹۲ .

^۱ از رجال دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه